

# پژوهشی در

## مصحف

## حضرت

## فاطمه(س)

عبدالله امینی

### چکیده

در باره مصحف فاطمه(س) پرسش‌ها و ابهاماتی است؛ آیا همان گونه که از عنوان «مصحف» برمی آید، قرآنی ویژه حضرت زهرا(س) بوده، یا کتابی در موضوعی دیگر است؟

اگر جواب، فرض دوم است، آیا خود حضرت آن را نوشته یا املا کرده‌اند؟ محتوای آن چیست؟ آیا آداب و اخلاق است یا تشریح و فقه؟ اکنون این کتاب کجاست؟ پیش از پاسخ به هر سؤال، پرسش اساسی این است؛ آیا این مصحف، اصول و اعتباری دارد؟ آیا از طریق معتبر، وجود آن ثابت شده است؟ جواب این پرسش‌ها از روایات مربوط به این موضوع به دست می آید. البته بیان این روایات مختلف است؛ برخی محتوای مصحف را احکام حلال و حرام می دانند، در حالی که دیگران می گویند اصلاً چنین احکامی در بر ندارد. برخی می گویند دیکته کننده آن پیامبر(ص) بوده، در حالی که بعضی جبرئیل را گوینده آن می دانند، که در این صورت باید به این پرسش پاسخ گوئیم که آیا جبرئیل با شخصی که پیامبر نیست، سخن می گوید؟ و اگر چنین باشد، این گونه با حضرت فاطمه(ع) سخن گفته

است؟ مگر پس از وفات پیامبر (ص) وحی قطع نشده بود؟  
به هر روی، پرسش‌های بسیاری در این زمینه وجود دارد، که پاسخگویی به آنها،  
مورد اهتمام اثر حاضر است.  
کلید واژه‌ها: فاطمه (س)، مصحف، روایات، قرآن کریم

### مصحف فاطمه چیست؟

شایع‌ترین پرسش درباره این مصحف، عنوان جنجال برانگیز و شبهه‌ناک آن، یعنی «مصحف» است، زیرا چنین برمی‌آید که این مصحف، قرآن خاصی است. اما اگر به روایات بنگریم، می‌یابیم این مصحف حتی یک آیه در بر ندارد. اما برخی ناآگاهان، همین که نام مصحف را شنیده، پنداشته‌اند مصحف یعنی قرآن. حتی برخی سنیان به قم آمده، در پی دیدن این مصحف و به زعم خود «قرآنی دیگر» بوده‌اند، اما وقتی با واقعیت مواجه شده و دریافته‌اند شیعیان قرآنی جز آنچه نزد دیگر مسلمان هست ندارند، از اتهامات بر ضد امامیه شگفت زده شده‌اند.

کار چنان بالا گرفته که حتی خود شیعیان باور کرده‌اند که مصحف فاطمه (س)، قرآنی دیگر است، از این رو بر آن شدند روایات این کتاب را کم اهمیت جلوه داده، در سند آن تردید نمایند. اما با کمال شگفتی می‌بینیم افرادی همچون امام خمینی، نه تنها آن را پوشیده و انکار نمی‌کنند که بدان افتخار می‌نمایند:

ما مفتخریم که... صحیفه فاطمیه که کتاب الهام شده از جانب خداوند تعالی به زهرای مرضیه است، از ماست.<sup>۱</sup>

مقصود اینان از افتخار و سربلندی به مصحف فاطمه چیست؟ به رغم آن که هیچ کس از محتوای آن آگاه نبوده، و فقط از طریق روایات، کلیتی از مطالب آن را می‌دانند. بنابراین باید اذعان داشت وجود مصحف فاطمه ثابت شده، راه‌ها و اسناد درستی برای اثبات آن وجود دارد اما می‌بایست به پیرایه‌ها و شائبه‌های پیرامون آن پاسخ داد، به ویژه که تا کنون اثر مستقلی در این باره چاپ و منتشر نشده، فقط به صورت ضمنی بدان پرداخته‌اند.

برخی احادیث که درباره مصحف فاطمه (س) آمده، با همین واژه (=مصحف) است،

از این رو به پندار مزبور دامن می‌زند؛ از جمله محمد بن مسلم از امام جعفر صادق(ع) روایت می‌کند:

و خلفت فاطمة مصحفاً ما هو قرآن؛ فاطمه مصحفی از خود به جا گذاشت، [اما امام می‌افزاید]: که قرآن نیست.<sup>۲</sup>

علی بن سعید از امام صادق(ع) روایت می‌کند:

و عندنا و الله مصحف فاطمه ما فيه آية من كتاب الله؛ به خدا سوگند! مصحف فاطمه نزد ماست [و امام می‌افزاید] و در آن حتی یک آیه از کتاب الله نیست.<sup>۳</sup> امام صادق(ع) می‌فرماید:

فيه مثل قرآنكم هذا ثلاث مرات؛ در آن [مصحف] سه برابر این قرآن، مطلب هست.<sup>۴</sup>

برخی گمان کرده‌اند از آن رو که «مصحف» واژه‌ای خاص قرآن است، اگر گفته شود مصحف فاطمه، به معنی قرآن فاطمه(س) است، و چون حدیث اخیری می‌گوید: این مصحف، سه برابر قرآن است، پس شیعیان معتقدند قرآن موجود، ناقص است! غافل از این که ذیل احادیث اشاره دارد که در این مصحف حتی یک آیه وجود ندارد. به هر روی اینک وارد بحث می‌شویم و با معنای مصحف سخن را شروع می‌کنیم.

### معنای مصحف

به آنچه که متشکل از برگ‌های نوشته شده میان دو جلد باشد، مصحف گویند: (الجامع للمصنف المكتوبة بين الدفتين).<sup>۵</sup> «صحف» جمع صحیفه به معنای ورق و برگ است که بر آن بنویسند: «دفتان» تثنیه «دفة» به معنای جنب و کنار هر چیز است. «دفتان المصحف» یعنی جلد رو و پشت کتاب.<sup>۶</sup> بنابراین مصحف، چند برگ دارد، نه یک برگ؛ ولی گاه می‌تواند کتاب بیش از یک برگ نداشته باشد، نیز مصحف می‌بایست میان دو جلد باشد، که برگ‌ها (صحف) را در برداشته باشد.<sup>۷</sup>

در نتیجه باید گفت «مصحف» به معنای کتاب مجلد و شامل هر کتابی می‌شود و اختصاص به قرآن ندارد، گو این که معنای مشهور مصحف، قرآن است. پس لغت‌آزمی توان گفت مصحف به معنای قرآن است.

تردید نیست که واژه مصحف به معنای قرآن بسیار به کار گرفته می شود، اما نمی توان گفت «عَلَم» برای قرآن است، بلکه شهرت مصحف، قرآن می باشد.

### واژه مصحف میان غیر مسلمانان

از شمار مستنداتی که ثابت می کند مصحف به معنای قرآن نیست، آن است که این واژه توسط عرب های غیر مسلمان به کار گرفته شده است، مثلاً ابن سعد در طبقات الکبری قصه «سهل» نصرانی را می نویسد، که از واژه مصحف برای انجیل و نوشته های مقدس نزد خویش استفاده کرد.<sup>۸</sup> چنان که مسلمانان عرب، به نگاشته های غیر مسلمانان مصحف می گفتند، که اگر مصحف فقط به معنای قرآن بود، از آن استفاده نمی کردند، مثلاً «ام سلمه» همسر پیغمبر داستان حبشه را چنین بازگو می کند:

فنشروا مصافهم حوله... و تکتب أساقته حتی اخلصوا مصافهم؛ یاران نجاشی دفتر خود را دور و بر وی گشودند... و اسقف ها می نوشتند تا آن اندازه که دفترها از مرکب خیس شد.<sup>۹</sup>

نیز «اوزاعی» که در ۳۳ هجری متولد شده، ۱۵۷ (نه سال پس از وفات امام صادق(ع)) از دنیا رفته، مصحف را در مورد کتاب های رومیان استفاده کرده است.<sup>۱۰</sup>

### مصحف در زبان و فرهنگ صحابه

اصحاب رسول الله(ص) مصحف را در غیر قرآن به کار می گرفتند، مثلاً صحابی معروف، ابی سعید خدری در پاسخ برخی که از وی خواستند حدیث بر آنان املا کند، گفت:

لانتکتبکم شیئاً أتجعلونه مصاحف تقرأونها؛ چیزی نمی گویم که بنویسید تا از آن کتاب ساخته، بخوانیدش.<sup>۱۱</sup>

نیز عثمان از «حفصه» همسر پیامبر درخواست کرد:

ارسلی إلینا بالمصحف ننسخها فی المصاحف؛ قرآن نبشته ها را برایمان بفرست تا آنها را در دفاتر بنگاریم.<sup>۱۲</sup>

### مصحف در فرهنگ تابعین

چنان که صحابه «مصحف» را در غیر قرآن به کار می بردند، تابعین نیز چنین کرده اند، در این مورد نصوص و گزارش هایی هست، از جمله «محمد بن سیرین انصاری»

می گوید :

أقسم على (ع) أن لا يرتدى برداء إلا لجمعة حتى يجمع القرآن في مصحف؛ پس از در گذشت پیامبر (ص) امام علی سوگند یاد کرد عبا بر دوش نیندازد مگر در روز جمعه تا قرآن پاره‌ها را یک جا در دفتری گرد آورد. ۱۳

اگر مصحف در این گزارش به معنای قرآن باشد، بی معنی خواهد بود بگوییم: مقصود آن است که قرآن را در قرآن گرد آورد! پس معنی لغوی مصحف مقصود است.

گزارش دوم از «رفیع بن مهران» است. وی می گوید:

إنهم جمعوا القرآن في مصحف؛ صحابه قرآن را در دفتری گرد آوردند. ۱۴

مصحف در خامه نگارندگان پیشین

مصحف به معنای کتاب مجلد، در نگاشته‌های علمای متقدم به چشم می خورد، مثلاً «جاحظ» هر جزء کتاب «الحيوان» را مصحف می نامد و در پایان جزء نخست می گوید:

تم المصحف الأول و يتلوه المصحف الثاني...

نیز شیخ ابابکر بن عقاب صقلی در فوائد می گوید:

لم يجمع الصحابة سنن رسول الله في مصحف...؛ اصحاب، سنن رسول خدا را در دفتر و مجموعه‌ای گرد نیاوردند. ۱۵

شایسته است یادآور شویم واژه مصحف در قرآن وارد نشده و جزء نام‌های قرآن نیز شمرده نشده است. جلال الدین سیوطی<sup>۱۶</sup> و ابوالمعالی الصالح، یکی از محدثان اسلامی پنجاه و پنج نام برای قرآن برشمرده‌اند، که در میان آنها کلمه «مصحف» دیده نمی شود. جالب است بدانید هیچ کس به «سیبویه» در نامگذاری کتابش به «الکتاب» به رغم نامگذاری قرآن به همین نام اعتراض نکرده است، ولی بر نامگذاری کتاب حضرت فاطمه به «مصحف» اعتراض کرده‌اند. ۱۷

مصحف در قلم نویسندگان معاصر

دکتر امتیاز احمد در کتاب «دلائل التوثيق المبكر للسنة والحديث» می گوید:

مصحف فقط به معنای قرآن نیست، بلکه به معنای کتاب نیز می باشد. وی برای

اثبات این مدعا شواهدی را ذکر می کند. ۱۸

همچنین استاد بکر بن عبدالله در کتاب «معرفة النسخ و الصحف الحديثية» می گوید:  
مصحف از جمله اصطلاحاتی است که شامل هر نوع مجموعه ای که در بردارنده  
سخنانی است، می شود. ۱۹

دکتر ناصرالدین اسد در «مصادر الشعرا الجاهلی» می نویسد:  
بر هر کتاب گردآوری شده، مصحف می گفتند و مقصودشان مطلق کتاب بود، نه  
فقط قرآن... ۲۰

### کتاب های دیگر حضرت زهرا(س)

#### نظریات گوناگون درباره مصحف

تا آنجا که می دانیم هیچ یک از علمای شیعی و سنی بر مصحف فاطمه(س) دست  
نیافته اند، بلکه با بهره گیری از احادیث مربوط به این موضوع، تا اندازه ای به محتوا، املا  
کننده و نویسنده آن آشنا شده اند. از این رو پژوهش جامع و فراگیر در این باره وجود  
ندارد. برخی گفته اند:

مصحف آن حضرت در بردارنده امثال و حکم و مواعظ و اخبار و عجایب است،  
و امیرالمؤمنان آن را نوشته و تقدیم حضرت فاطمه کرده، تا تسلی بخش ایشان در  
مرگ پدر باشد. ۲۱

بعضی معتقدند: این مصحف، شامل احکام تشریحی، اخلاقی و آنچه در زمان آینده  
پیش می آید، است و حضرت فاطمه(س) آن را از شنوده های پدر و شوهرش جمع آوری  
کرده است. ۲۲

سید محسن امین بر این عقیده است که حضرت، دو مصحف دارند، که یکی الهام  
پروردگار و دیگری گفته های رسول خدا(ص) به حضرت زهرا است. ۲۳

همان گونه که گفته شد، تعدد اقوال درباره محتوای مصحف، به سبب احادیثی  
است که در کتاب های مختلف پراکنده است، و هیچ دلیل عقلی یا تحلیلی نظری ندارد،  
زیرا مستند بحث و پژوهش، روایاتی است که در یک باب گردآوری نشده، در کتب  
گوناگونی است.

چنان که برخی اخبار که از کتاب های حضرت زهرا(س) سخن می گوید، هیچ کدام

عنوان مصحف را بازگو نمی‌کند. از این رو برخی پنداشته‌اند مصحف همان است که اخبار گفته، و این سبب اختلاف نظر شده است. البته این احادیث، سخن از کتاب‌های حضرت فاطمه (س) می‌کند، نه تنها از مصحف ایشان. از این رو شایسته می‌نماید به دیگر کتاب‌های منسوب به ایشان اشاره شود، تا از میان آنها به مصحف ایشان دست یابیم.

### ۱. کتاب اخلاقی

در احادیث شیعه و سنی، کتابی با این عنوان ذکر نشده، بلکه در کتاب‌ها به مضمون آن اشاره شده است. خرائطی از مجاهد نقل می‌کند:

أبی بن کعب به دیدار فاطمه - رضی الله عنها - دختر محمد (ص) رفت. فاطمه به او کتابی پوشیده در شاخه‌های درخت خرما نشان داد، که در آن نوشته شده بود: هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، با همسایه‌اش به نیکی رفتار کند. ۲۴

ظاهراً کسانی که گفته‌اند مصحف فاطمه در بردارنده معارف و اخلاق و آداب است، این احادیث را دیده‌اند، ولی خواهیم گفت مصحف فاطمه (س) شامل نکات اخلاقی نیست، زیرا هیچ دلیلی بر این مطلب وجود ندارد.

### ۲. کتاب تشریحی

کتابی با چنین عنوانی نیز در احادیث ذکر نشده است، ولی امام صادق (ع) در پاسخ به پرسش‌های کارگزار منصور - خلیفه عباسی - در مدینه آنچه را می‌فرماید، مستند به این کتاب می‌کند. ۲۵ از این رو فهمیده می‌شود که حضرت فاطمه دارای کتابی در احکام شرعی بوده است.

علامه سید محسن امین این کتاب را مصحف فاطمه دانسته است. ۲۶ ولی باید گفت روایاتی وجود دارد - ذکر خواهد شد - که می‌گویند مصحف حضرت در بردارنده احکام حلال و حرام نیست، و اگر چنین احکام فقهی ذکر شده، در مصحف و روایتی دیگر از حضرت فاطمه (ع) است، که از پدر بزرگوارش پیامبر اسلام (ص) نقل کرده است. ۲۷

### ۳. لوح فاطمه

لوح به صفحات پهن چوبی یا استخوانی گفته شود، که در فارسی، تابلو یا تخته نامیده می‌شود. وجود این لوح در بسیاری از احادیث ذکر شده، زیرا در بردارنده نام امامان شیعه است.

#### ۴. وصیت‌نامه

در روایات متعدد و با سند‌های مختلف آمده است:

حضرت زهرا(س) کتابی از خود به جا گذاشت که وصایایش را در آن نوشته بود. ۲۸

#### ۵. مصحف فاطمه(س)

وجود این کتاب نیز در روایات مختلف با سند‌های متعدد ذکر شده است.

#### مصحف فاطمه(س) و راه‌های تشخیص صحت و اعتبار روایات

تمامی علمای شیعی روایات این مصحف را پذیرفته، و ما به عنوان مخالف کسی را نمی‌شناسیم. فعلاً به نقل آنچه علامه سید محسن امین گفته است، بسنده می‌کنیم:

استبعادی ندارد و جای انکار نیست که جبرئیل با زهرا(س) سخن گوید و علی(ع) آن را بشنود و در کتابی که به نام «مصحف فاطمه» است، بنویسد. گو این که اصحاب مورد وثوق این سخنان را از امامان اهل بیت روایت کرده‌اند. من به کسانی که این امر را انکار کرده، یا آن را بعید می‌شمردند، و یا مبالغه‌گویی و دور از انصاف می‌دانند، می‌گویم: آیا در قدرت خدای متعال شک دارند؟ یا در این که پاره‌تن [رسول‌الله] زهرا شایسته این کرامت باشد؟ و یا در صحت این روایات به رغم آن که گفته‌های هدی است، که ذریه آن حضرت و مورد وثوقند؟ در حالی که این کرامت برای «آصف بن برخیا» وزیر سلیمان(ع) رخ داد و او گرامی‌تر از آل محمد نزد خدا نیست. ۲۹

#### شناسنامه مصحف فاطمه: (نویسنده، املا کننده، محتوا و اندازه)

عنوانی که باعث فهم اشتباه شده است

گفتیم عنوان «مصحف فاطمه» گاه باعث این توهم می‌شود که قرآنی ویژه حضرت زهرا(س) وجود داشته است، همچنان که از «مصحف عبداللّه بن مسعود» و «مصحف عایشه» و یا «مصحف ابی بن کعب» برمی‌آید، ولی وقتی فصل نخست این اثر و لغتنامه‌ها را بررسی کردیم، پندار مزبور زدوده شد و فهمیدیم مصحف، منحصر در قرآن نیست. همچنین گفتیم این کتاب در بردارنده هیچ آیه‌ای نیست، از این رو به معنای قرآن یا



در موضوع قرآنی نمی باشد. نیز در ضمن سخنان گذشته اشاره شد این کتاب توسط آن حضرت، نوشته یا املا نشده و از آن رو به آن «مصحف فاطمه» گفته اند که هدیه ای الهی به ایشان بوده است. بنابراین نویسنده یا گوینده این سخنان کیست؟ اگر محتوای این مصحف، قرآن نیست، چه چیز در آن یافت می شود؟ حجم این کتاب چقدر است؟ و...

### نویسنده مصحف

روایات بسیاری وجود دارد که در آن، حضرت علی (ع) به عنوان نگارنده مصحف معرفی شده؛ از جمله امام صادق (ع) در جواب سؤال «حماد بن عثمان»، مبنی بر این که نویسنده مصحف کیست، می فرماید:

فجعل أمير المؤمنين يكتب كلما سمع حتى أثبت من ذلك مصحفاً؛ امیرمؤمنان هر چه را می شنید، می نوشت، تا این که به صورت کتابی در آمد. ۳۰

اما این رستم طبری در دلائل الامامه روایتی نقل می کند که:

مصحف فاطمه، از آسمان، مکتوب نازل شد و املائی نبود تا امام علی کاتب و نگارنده باشد. ۳۱

اما می بایست گفت: ۱. نزول مصحف، نه به معنای فرستادن مصحف و کتاب است، بلکه گفتن محتوا و پیام است، و مانعی ندارد امام علی در هنگام نزول فرشتگان حاضر بوده و مطالب را بنویسد، گر چه این توجیه بسیار بعید می نماید.

۲. شاید تنها راه حل، پذیرفتن روایت طبری باشد، زیرا سند آن ضعیف بوده، میان راویان «جعفر بن محمد بن مالک فزاری» است که «نجاشی» وی را ضعیف در حدیث و فاسد المذهب و الروایه می داند. ۳۲ دیگران نیز وی را تخطئه کرده اند. ۳۳

### املا کننده و گوینده احادیث

#### ۱. الله

برخی گفته اند گوینده سخنان موجود در مصحف، خداوند است. امام صادق (ع) می فرماید:

انما هو شيء أملاها الله وأوحى إليها؛ مصحف فاطمه نزد ماست... و خداوند آن

سخنان را گفته و بر حضرت فاطمه الهام کرده است».<sup>۳۴</sup>  
 این گونه الهام برای مادر حضرت موسی (ع) نیز وجود داشته، در سوره قصص، آیه هفت آمده است: «و أوحينا إلى أم موسى؛ به مادر موسی الهام کردیم او را شیر بده و ...  
 ۲. فرشته (ملک)

بعضی معتقدند این سخنان از فرشته ای است. این احتمال در حدیثی به نقل از امام صادق (ع) گفته شده است:

فارسل الله إليها ملكاً يسلى غمها ويحدثها.<sup>۳۵</sup>

در صحیح ابوعبیده از امام صادق (ع) است که سخنان از آن جبرئیل است:  
 و كان جبرئيل يأتيها فيحسن عزاءها على أبيها و يطب نفسها و يخبرها عن أبيها و  
 مكانه و يخبرها بما يكون بعدها في ذريتها....<sup>۳۶</sup>

۴. رسول خدا (ص)

امام حسین (ع) می گوید:

و عندنا مصحف فاطمة، أما والله ما فيه حرف من القرآن ولكنه إملاء رسول الله  
 و خط علي (ع)؛ مصحف فاطمه نزد ما است. به خدا سوگند! یک حرف از قرآن  
 در آن نیست. سخنان این مصحف از آن رسول الله و خط علی (ع) است.<sup>۳۷</sup>  
 بنابراین حدیث، گوینده سخنان این مصحف، رسول الله (فرستاده خدا) است، علامه  
 مجلسی در ذیل این حدیث می گوید:

مقصود از فرستاده خدا، جبرئیل است، همچنان که در آیات بسیاری، به ملائکه،

رسولان خدا گفته شده است.<sup>۳۸</sup>

پس از این که دانستیم سخنان این مصحف از پروردگار - به واسطه جبرئیل - و نویسنده  
 آن امام علی (ع) است. این پرسش پیش می آید که چرا به حضرت فاطمه (س) منسوب شده  
 است؟ به رغم آن که حضرت نه گوینده و نه نگارنده آن است!

در پاسخ باید گفت: این سخنان برای حضرت فاطمه (س) و برای تسلای خاطر او  
 نازل شد، از این رو مصحف، منسوب به حضرت فاطمه است. نظیر این امر در انتساب  
 تورات به حضرت موسی (ع) و انجیل به حضرت عیسی (ع) و زبور به داود (ع) دیده می شود.  
 همچنان که در قرآن می خوانیم: صحف ابراهیم و موسی. (اعلی، ۱۹/۸۷) با این که این



مشابهت است، زیرا هر دو توسط جبرئیل نازل شده‌اند، گر چه در محتوا متفاوتند.

مصحف احکام شرعی را در بر ندارد

در مورد احکام شرعی، امام صادق(ع) می‌گوید:

لیس فیہ شیء من الحلال و الحرام...؛ چیزی از حلال و حرام در آن نیست. ۴۸.

### محتوای اثبات شده

روایات - به گونه تفصیل - تمام محتوای مصحف فاطمه را ذکر نکرده، بلکه عنوان‌ها یا برخی سخنان را بیان کرده است. این روایات در منابع مختلفی پراکنده است و می‌گوید در مصحف فاطمه این مطالب آمده است:

۱. مقام عظیم پیامبر(ص): ۴۹ (و یخبرها عن آبیها و مکانه)
۲. آینده ذریه حضرت زهرا(س): ۵۰ (و یخبرها بما یکون بعدها فی ذریتها)
۳. حوادثی که رخ خواهد داد: ۵۱ (و لکن فیہ علم ما یکون؛ ففیہ ما یکون من حادث) مثلاً «تظهر الزنادقة فی ستة ثمان و عشرين و مائة؛ زنادقة در سال ۱۲۳ به ظهور می‌رسند».
۴. نام‌های انبیاء و اوصیا: ۵۲ (ما من نبی و لا وصی إلا و هو فی کتاب عندی)
۵. اسامی پادشاهان و پدرانشان: ۵۳ (و اسماء من یملک الی أن تقوم الساعة؛ لیس من ملک یملک [الأرض] إلا و هو مکتوب فیہ باسمه و اسم آبیہ)
۶. وصیت حضرت زهرا(س): ۵۴ (و لیخرجوا مصحف فاطمه؛ فإن فیہ وصیة فاطمة).

### سخن گفتن فرشتگان با کسانی که پیغمبر نیستند

محدثه

یکی از القاب حضرت فاطمه(س) «محدثه» است؛ یعنی کسانی که فرشتگان با او سخن می‌گفتند. گفتیم مصحف فاطمه از شنوده‌های ایشان با ملائکه (جبرئیل) نوشته شد، ولی آیا فرشتگان با غیر پیامبران سخن می‌گویند؟

شیعه معتقد است ملائکه فقط با انبیاء و رسولان سخن نگفته‌اند، بلکه با امامان و حضرت فاطمه(س) نیز حرف زده‌اند. این امر ممکن است، زیرا در قرآن آیاتی داریم که می‌گوید: نزول وحی، مختص پیامبران نیست و خداوند یا فرشتگان با بشر سخن

گفته اند. از جمله این اشخاص، مریم، مادر حضرت عیسی (ع) است. در سوره آل عمران، آیات ۴۲ و ۴۵ می خوانیم:

و اذ قالت الملائكة يا مريم ان الله اصطفيك وطهرک و اصطفیک علی نساء العالمین؛ و به یاد آورید هنگامی را که فرشتگان گفتند: ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته و بر تمام زنان جهان برتری داده است....

و اذ قالت الملائكة يا مريم ان الله يبشرك بكلمة منه اسمه المسيح عيسى بن مريم وجيهاً في الدنيا و الآخرة و من المقربين؛ به یاد آورید هنگامی را که فرشتگان گفتند: ای مریم! خدا تو را به کلمه ای [=وجود با عظمتی] از طرف خودش بشارت می دهد، که نامش مسیح - عیسی پسر مریم - است....

همچنین در سوره مریم، آیات ۱۷ - ۲۱ می خوانیم:

فأرسلنا إليها روحنا فتمثل لها بشرا سويا . قالت انى اعوذ بالرحمن منك ان كنت تقيا؛ در این هنگام، ما روح خود را به سوی او فرستادیم... گفت: من فرستاده پروردگار توأم... از دیگر کسانی که فرشتگان با آنان سخن گفته اند، ساره - زن حضرت ابراهیم - است. در سوره هود، آیات ۷۱ تا ۷۷ می خوانیم:

و امرأته قائمه فضحكت فبشرناها ياسحق و من وراء اسحق يعقوب...؛ و همسرش ایستاده بود، از خوشحالی خندید؛ پس او را بشارت به اسحاق و بعد از او یعقوب دادی. گفت: وای بر من! آیا من فرزند می آورم در حالی که پیرزنم، و این شوهرم پیرمردی است؟! این راستی چیز عجیبی است! فرشتگان گفتند: آیا از فرمان خدا تعجب می کنی؟! این رحمت خدا و برکاتش بر شما خانواده است؛ چرا که او والا و ستوده است.

همچنین به مادر حضرت موسی وحی شد. در سوره قصص، آیه ۷ آمده است: و أوحينا إلى أم موسى أن أرضعيه فإذا خفت عليه فألقيه في اليم و لا تخافي...؛ ما به مادر موسی الهام کردیم: او را شیر ده و هنگامی که بر او ترسیدی، وی را در دریا بیفکن و... ۵۵. بنابراین هیچ گونه ملازمه ای میان وحی و نبوت نیست؛ یعنی ممکن است فرشتگان با کسی سخن گویند و بر او وحی نازل کنند که پیامبر نیست. امام صادق (ع) می فرماید:

سميت فاطمة محدثة، لأن الملائكة كانت تهبط من السماء فتناديها، كما كانت تنادي مریم بنت عمران؛ از آن رو به فاطمه، «محدثه» گفته شده، که فرشتگان از

آسمان پایین می آمدند و با او سخن می گفتند: همچنان که با مریم - دختر عمران - سخن می گفتند» ۵۶.

امام صادق (ع) «محدث» را این گونه معنا می کند:

والمحدث الذي يسمع الصوت ولا يرى الصورة؛ محدث کسی است که صدای فرشتگان را می شنود، ولی آنان را نمی بیند. ۵۷

پس میان سخن گفتن فرشتگان و نبوت ملازمت نیست و فرشتگان با غیر انبیا می توانند سخن بگویند. از این رو نمی توان گفت: شیعه معتقد است فاطمه و امامان پیامبرند، چون می گویند فرشتگان با آنان سخن گفته اند. ۵۸ گو این که در کتب اهل سنت اشخاصی برشمرده شده اند که به گمان آنان فرشتگان با آنها سخن می گفتند؛ از جمله: خلیفه اول ۵۹ و دوم ۶۰ و عمران بن الحصین ۶۱ و ابوالمعالی الصالح ۶۲ و زکریا الناقد. ۶۳

آیا جبرئیل پس از وفات رسول الله نازل شد؟

در برخی روایات آمده است: پس از وفات رسول الله، جبرئیل با زمین وداع کرد و گفت:

هذا آخر عهدی بالأرض بعدک و أن أهبط إلى الأرض لأحد بعدک؛ این آخرین باری بود که به زمین آمدم؛ ۶۴ در این صورت چگونه ممکن است جبرئیل با حضرت فاطمه سخن گفته باشد؟

جلال الدین سیوطی شافعی (متوفی ۹۱۱) که یکی از علمای بزرگ اهل سنت می باشد، به این پرسش پاسخ گفته است. وی معتقد است: سند این حدیث و حدیث دیگری با همین مضمون، ۶۵ بسیار ضعیف است، علاوه بر این با اتفاق نظر مسلمانان در تضاد است، زیرا جبرئیل هر سال، در شب قدر - به همراه دیگر ملائکه - نازل می شود، و وحی جبرئیل با وفات پیامبر قطع نشد، بلکه برای جبرئیل وظایفی دیگر وجود دارد؛ زیرا مثلاً پس از کشتن دجال به دست حضرت عیسی، جبرئیل بر او وحی نازل خواهد کرد. ۶۶ البته شکی نیست پس از وفات رسول الله (ص) دیگر وحی به عنوان وحی نبوت بر کسی نازل نخواهد شد. امام علی (ع) پس از درگذشت پیامبر می فرماید:

و ختم به الوحی؛ وحی با درگذشت پیامبر پایان یافت ۶۷ نیز: لقد انقطع بموتک ما لم ينقطع بموت غیرک من النبوة و الأنباء و أخبار السماء؛ با وفات تو، نبوت و



## مصحف فاطمه کجاست؟

از آن رو که مصحف فاطمه از نشانه های امامت است، این کتاب در دست امامان است. روایاتی در تأیید این مطلب وجود دارد؛ از جمله: امام صادق(ع) می فرماید:

و مصحف فاطمة عندنا؛ مصحف فاطمه نزد ما است. ۷۳

امام موسی کاظم(ع) می فرماید:

عندی مصحف فاطمة؛ مصحف فاطمه نزد من است. ۷۴

مصحف فاطمه پس از امامان حاضر، به حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه -

رسیده است. امام باقر(ع) در حدیثی - به طور ضمنی - می فرماید:

إن قائمکم یقوم يوماً فأحب أن يعمل بما فیها؛ قائم روزی قیام می کند و دوست

دارد به آن چه در آن [مصحف] است، عمل کند. ۷۵

علامه تهرانی - نویسنده الذریعه - می گوید:

مصحف فاطمه از امانت های امامت نزد مولا و امام ما صاحب الزمان است. در

چندین حدیث از طریق امامان این امر روایت شده است. ۷۶

## گزیده بحث

۱. مصحف فقط به قرآن گفته نمی شود.

۲. مصحف (کتاب) فاطمه در بردارنده هیچ آیه یا موضوعی درباره قرآن یا احکام

شرعی و اخلاقی نیست.

۳. محتوای این کتاب از سوی خداوند، به وسیله جبرئیل و پس از وفات پیامبر بر

حضرت فاطمه(س) نازل شده، از این رو به نام آن حضرت (مصحف فاطمه) است.

۴. نویسنده این کتاب حضرت علی(ع) است.

۵. محتوای این کتاب، مقام پیامبر و آینده ذریه حضرت فاطمه و حوادث آینده و نام

انبیا و اوصیا و اسامی پادشاهان و وصیت آن حضرت است.

۶. مطالب و محتوای این مصحف سه برابر قرآن است.

۷. فرشتگان فقط با انبیا سخن نمی گویند، بلکه بر افراد دیگری - همچون مریم (مادر

حضرت عیسی(ع)، ساره (همسر حضرت ابراهیم(ع)) و مادر حضرت موسی(ع))، وحی



غیر نبوتی نازل شده است. حضرت فاطمه (س) نیز از شمار این افراد است، از این رو ایشان را «محدثه» (کسی که فرشتگان با او سخن گفته‌اند) می‌گویند.

۸. جبرئیل برای رساندن وحی نبوتی به پیامبر، و پس از ایشان به افرادی دیگر برای ابلاغ وحی غیر نبوتی نازل می‌شد.

۹. سخنان این مصحف، برای تسلی خاطر حضرت فاطمه - در مرگ پدر - نازل شد. گو این که یکی از نشانه‌های امامت، وجود این مصحف نزد امام است.

۱۰. این مصحف اکنون نزد امام زمان (ع) است.

- 
۱. صحیفه انقلاب (وصیت‌نامه سیاسی الهی امام خمینی) / ۳، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
  ۲. بحارالانوار، مجلسی، ۴۱/۲۶، ح ۷۳، چاپ دارالکتب الاسلامیه، تهران.
  ۳. همان، ۲۷/۲۷، ح ۳.
  ۴. اصول کافی، کلینی، ۶۱۳/۲، بحارالانوار، ۳۹/۲۶، ح ۱۰.
  ۵. صحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، جوهری، ۱۳۸۳/۴؛ تاج العروس، زبیدی، ۱۶۱/۶.
  ۶. المصباح المنیر، قتیوی/ ۱۹۷؛ الفروق اللغویة، ابوهلال العسکری/ ۲۴۱، قم: بصیرتی.
  ۷. مناهل العرفان، زرقانی، ۳۹۴/۱، داراحیاء التراث، بیروت، ۱۴۱۲.
  ۸. طبقات الکبری، ۳۶۳/۱، دارصادر.
  ۹. سیرة النبی، ابن هشام، ۳۵۳/۱، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۱.
  ۱۰. طبقات الکبری، ۴۳۳/۷؛ تذهیب الکمال، ۳۱۵/۱۷، مؤسسه الرسالة.
  ۱۱. تقیید العلم، خطیب بغدادی/ ۳۶، داراحیاء السنة النبویه، بیروت، ۱۹۷۴.
  ۱۲. صحیح بخاری، ۱۲۰/۶، ح ۴۹۳۷، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۱.
  ۱۳. المصاحف، سجستانی/ ۱۰، الرحمانیه، مصر.
  ۱۴. همان/ ۹.
  ۱۵. اضواء علی السنة المحمدیة، أبوریه/ ۲۵۹، البطحاء.
  ۱۶. الاتقان فی علوم القرآن، ۵۱/۱ - ۵۲، دارالفکر، بیروت.
  ۱۷. معالم المدرستین، مرتضی عسکری، ۳۴/۲، مؤسسه بعثت.
  ۱۸. ترجمه دکتر عبدالمعطی امین/ ۲۶۳ - ۲۶۹، دانشگاه پژوهش‌های اسلامی پاکستان.
  ۱۹. معرفة النسخ و الصحف الحدیثیه/ ۲۳ - ۳۱، چاپ دارالرایة، جدّه.
  ۲۰. مصادر الشعراء الجاهلی/ ۱۳۹، دارالمعارف، قاهره - ۱۹۶۹.
  ۲۱. المراجعات، سید عبدالحسین شرف الدین، تحقیق: حسین الراضی/ ۵۲۱، دارالکتاب الاسلامی، ایران.
  ۲۲. سیرة الائمة الاثنی عشر، سید هاشم معروف الحسینی، ۹۷-۹۶/۱، دارالتعارف، بیروت.

٢٣. اعيان الشيعة، ١/٣١٣-٣١٤، الانصاف، بيروت، .
٢٤. مكارم الاخلاق و معاليها، خرائطي/٤٣، مكتبة السلام العالمية، قاهره.
٢٥. فروغ كافي، كليتي، تحقيق على اكير غفاري، ٣/٧٠٥، ح ٢، دارالاضواء، بيروت،
٢٦. اعيان الشيعة، ١/٣١٤-٣١٥.
٢٧. سيره الانمه الاثني عشر، ١/٩٦-٩٧.
٢٨. تهذيب الاحكام، طوسي، تحقيق: خراسان، ٩/١٤٤، ح ٥٠، چاپ دارالاضواء، بيروت.
٢٩. اعيان الشيعة، ١/٣١٤، چاپ قديم، الانصاف، بيروت، چاپ سوم، ١٣٧٠ هـ، سيد حسن امين، فرزند مؤلف اين قسمت را در چاپ جديد حذف کرده است.
٣٠. اصول كافي، ١/٢٤٠، ح ٢؛ بحار الانوار، ٢٦/٤٤، ح ٧٧.
٣١. دلائل الامامه/٣٠، اعلمى، بيروت، ١٤٠٣؛ مسند فاطمة الزهراء، سيد حسن شيخ الاسلامي/١٩٩، دارالقرآن الكريم، قم ١٤١٢.
٣٢. رجال نجاشي، ١/٣٠٢.
٣٣. معجم رجال الحديث، خويي، ٤/١١٧.
٣٤. بحار الانوار، ٢٦/٣٩، ح ٧٠.
٣٥. اصول كافي، ١/٢٤٥، ح ٢.
٣٦. بصائر الدرجات، صفار، ١٥٣/١٥٣، ح ٦؛ اصول كافي، ١/٢٤١، ح ٥.
٣٧. بحار الانوار، ٢٦/٤٦، ح ٩٤.
٣٨. حج (٢٢)، آيه ٧٥؛ فاطر (٣٥) آيه ١؛ انعام (٦) آيه ٦١؛ اعراف (٧) آيه ٣٧؛ هود (١١) آيه ٦٩؛ حجر (١٥) آيه ١٥؛ مريم (١٩) آيه ١٧-١٩ و....
٣٩. بحار الانوار، ٢٦/٤١-٤٢، ح ٧٣.
٤٠. همان/٤٥، ح ٣٠.
٤١. همان، ح ٧٩.
٤٢. همان/٤٣، ح ٣٩.
٤٣. همان، ٤٧/٢٧١، ح ٣.
٤٤. همان/٤٦، ح ٣٤.
٤٥. همان، ٢٦/٣٩، ح ١٠.
٤٦. الامام صادق - حياته و عصره/٣٢٤، مطبعة احمد على مخيمه، مصر.
٤٧. بصائر الدرجات/٢٠٠، ح ٢.
٤٨. اصول كافي، ١/٣٩٠، ح ١.
٤٩. بحار الانوار، ٢٦/٤١، ح ٧٢.
٥٠. همان.
٥١. اصول كافي، ١/٢٤٠، ح ٢، بحار الانوار، ٢٦/١٣، ح ١.

۵۲. بحارالانوار، ۳۲/۴۷.
۵۳. همان، ۱۳/۲۶، ح ۱، اصول کافی، ۲۴۲/۱، ح ۳.
۵۴. اصول کافی، ۲۴۱/۱، ح ۴.
۵۵. در ترجمه آیات از ترجمه قرآن آیت الله مکارم استفاده شد.
۵۶. دلائل الامامه/۱۴.
۵۷. المناقب، ابوجعفر رشید الدین محمد بن علی بن شهر آشوب، ۷۷۶/۷.
۵۸. این سخن از عبدالله العصیمی در الصراع بین الاسلام و الوثنیة/۳۵ است:
- «فطالمة و علی بن ابی طالب و اولادهما انبیاء رسل لدی هذه الفرقة». اگر سخن وی درست باشد، پس می توان گفت سنی ها معتقدند خلیفه اول و دوم ... پیامبرند، چون بنا به پندار سنیان، ملائکه با ایشان سخن گفته اند!
۵۹. صحیح بخاری، ۲۴۱/۴، ح ۷۶۷۹.
۶۰. المصاحف، ابوبکر عبدالله بن ابی داود سلیمان بن اشعث سجستانی/۶، الرحمانیه، مصر.
۶۱. طرح التشریح فی شرح التقریب، الامام زین العابدین ابوالفضل عبدالرحیم بن الحسین العراقی، ۹۰/۱.
۶۲. صفه الصفوة، ابن جوزی، تحقیق اخوین عطا، ۱۷/۷۲، دارالکتب العلمیه.
۶۳. تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، ۴۶۲/۷، دارالکتب العلمیه، بیروت.
۶۴. سیره حلبی، ۳/۳۵۳، دار احیاء التراث العربی، .
۶۵. همان.
۶۶. همان.
۶۷. نهج البلاغه عبده، ۱۶/۲، خ ۱۳۳، أعلمی.
۶۸. همان، ۲۳۳/۲، خ ۲۳۵.
۶۹. اصل الشیعة و اصولها/۲۲۰، مؤسسه الإمام علی (ع)، قم.
۷۰. اصول کافی، ۲۴۵/۱، ح ۲.
۷۱. بحارالانوار، ۱۱۶/۲۵، ح ۱.
۷۲. همان؛ عیون اخبار الرضا، ۲۱۲/۱، ح ۱.
۷۳. اصول کافی، ۲۴۰/۱، ح ۷.
۷۴. بحارالانوار، ۴۵/۲۶، ح ۷۹.
۷۵. همان/۵۱، ح ۹۷.
۷۶. الذریعه، ۱۲۶/۲۱، دارالاضواء، بیروت، چاپ دوم.